

تحلیل ژئوپلیتیکی و ژئوکالچری پیوندهای ایران با جمهوری اشغالگر بادکوبه/بخش دوم ((تحلیل ژئوپلیتیک جمهوری اشغالی بادکوبه و قفقاز جنوبی))

در بخش پیشین به این نکته پرداخته شد که فلسفه وجودی و بنیادهای هستی شناسی دولت جعلی و خودخوانده آذربایجان فاقد اعتبار تاریخی و فرهنگی است و اکنون در این بخش میخواهیم از زاویه دانش ژئوپلیتیک به بررسی این جمهوری جعلی و حوزه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی پردازیم.

در کشورهای بجا مانده از فروپاشی شوروی سابق یکی از مسائل دردسرساز مرزها بوده و هستند که این مسائل برآمده از تقسیمات فضایی و دستکاری های ناشی از سیاستهای شوروی سابق است. بر همین اساس مناقشه ها و درگیری های این منطقه از جنس مرزی و قومی هستند. همچنین ریخت سرزمینی جمهوری اشغالی بادکوبه نیز برآمده از جنگهای ایران و روس و نیز قراردادهای تحمیلی آن دوره است. یکی از بخش های مهم سرزمینهای بادکوبه، جمهوری خودمختار نخجوان در صلاحیت سیاسی جمهوری خودخوانده بادکوبه قرار گرفت لیک از زاویه سرزمینی جدای از سرزمین اصلی آن قرار داشت. پیش از رخدادهای اخیر و در زمان حکومت شوروی سابق ارتباط ارضی میان بادکوبه اشغالی و نخجوان را شوروی تامین میکرد لیکن پس از فروپاشی شوروی نخجوان که میان ایران و ارمنستان قرار گرفت و دست جمهوری اشغالی بادکوبه از این سرزمین نژاده آریایی دورتر ماند. از اینجا بود که منطقه زنگرور اهمیت ویژه ای برای حاکمان بادکوبه اشغالی پیدا کرد و اکنون امکان دسترسی به نخجوان را به آنها میدهد.

از سوی دیگر شکل مناسب و نا امن مرزهای جمهوری اشغالی بادکوبه که برایشان منبع ناامنی و تهدید محسوب شده است موجب وابستگی این دولت جعلی به کشورهای فرامنطقه ای شده و پای آنها را به این حوزه تمدن ایران شهری باز کرده است. همانگونه که در نقشه مرزها میبینیم مرز ایران و سرزمین اشغال شده بادکوبه به سوی ایران محدب است و این موجب ایجاد ضعف برای جمهوری اشغالی بادکوبه است. این بخش دربرگیرنده سواحل دریای کاسپین و شرق و جنوب شرق سرزمین بادکوبه است. در همینجا ما شاهد حضور پررنگ پایگاه های نظامی و از سوی دیگر دست درازی به سهم ایران از کاسپین ناظر بر حل این مساله برای حاکمان جمهوری اشغالی بادکوبه است.

از دیگر سو در ارتفاعات تالش در مرز میان ایران و جمهوری اشغالی بادکوبه به سوی بادکوبه محدب است و و این تهدیدی جدی برای ایران محسوب میشود زیرا که در صورت رخداد یک عملیات نظامی خط مرزی در صورتی حفظ میشود که نیروهای مستقر در بخش جنوبی مرز بتوانند در یک عملیات پیشدستانه نظامی اقدام به تصرف بخشهای شرقی کوههای تالش کرده و نیروهای خود را بر عوارض سرکوب و چیرگی مستقر سازند و استحکاماتی را در دشت مغان ایجاد کنند. به عبارت دیگر وضعیت مرز اینجا بدین گونه است که نمیتوان به یک موفقیت در نگاهداری از مرز مطمئن بود زیرا که در شرق ناحیه، جمهوری اشغالی بادکوبه نقاط مرتفع و سرکوب ارتفاعات تالش را در دست دارد... بنابراین آریاییان برای نگه داشت این مرز بایستی پیشدستی کنند!

گوشه گیری ژئوپلیتیک

گوشه گیری ژئولیتیک یا خفگی ژئوپلیتیک به چم قطع یا کاهش ارتباط و پیوند یک کشور با سایر کشورهای سیستم ژئوپلیتیک جهانی و منطقه ای است. این گوشه گیری و یا خفگی ثبات و موجودیت آن کشور را مورد تهدید قرار میدهد و در واقع آن کشور را در وضعیت گردپیچ قرار میدهد. در یک چنین وضعیتی آن کشور باز هم خود را وابسته

به دیگر دولتهای منطقه ای نموده و پای آنها را به این حوزه ژئوپلیتیک باز میکند. این همان کاری است که دولتمردان تورک گرای حاکم بر جمهوری اشغالی بادکوبه کرده اند.

جمهوری اشغالی بادکوبه اساساً زیرساخت تاریخی و جغرافیایی مناسب برای توسعه پیوندها و مناسبات سالم و درست را با کشورهای همسایه خود را ندارد. برای نمونه ۱۷ شهر قفقاز از جمله داوها و مدعیات برحق ایرانشهریان است که بر پایه قرارداد تحمیلی ترکمنچای از ایران جدا شدند. از دیگر مسائل و مشکلات این جمهوری جعلی دسترسی نداشتن به آبهای آزاد است که از این دولت یک موجودیت مساله ساز و دردسرآفرین ساخته است.

در این میان نایبستی تأثیرات سیاستهای اهریمنی شوروی سابق را فراموش کنیم زیرا که بسیاری از درگیری های منطقه قفقاز جنوبی میراث سیاستهای روسها بوده است که برای مدیریت سیاسی قومیتها و جلوگیری از ایجاد بلوکهای یکپارچه قومی علیه قدرت حاکم پیاده کرده است از جمله جابجایی جمعیت، روسی سازی، کوچ اجباری، تقسیمات کشوری و... را میتوان به آنها اشاره داشت. بنابراین همواره در گیر نگاه داشتن اقوام این ناحیه هدف اصلی روسها در این حوزه ژئوپلیتیک بود.

استراتژی هفتاد ساله شوروی ها در فضای سیاسی و اجتماعی این حوزه ژئوپلیتیک برآیندش برخوردهای قومی، تنش های ارضی و ادعاهای واهی ارضی بوده است.

از دیگر سو فضای ژئوپلیتیک نوین پسا جنگ سرد نیز مسائل دیگری با خود به همراه داشته است. روسه پس از جدایی این نواحی از تن ایرانشهر ماهروری سیاست ایرانزدایی و ایرانستیزی را در پیش گرفتند چه در حوزه فرهنگی و چه در زمینه جمعیتی و مردم شناسی.

یکی دیگر از مسائل و مشکلات اساسی این جمهوری جعلی بادکوبه و نیز دیگر دولتهای حاضر در حوزه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی مساحت اندک و نداشتن عمق و ژرفای استراتژیک است. همین مساله موجب ترس و هراس همیشگی این دولتکها شده است که اتکا و وابستگی آنها به دولت فرمانطقه ای را برای تأمین امنیت در بر داشته است. برای نمونه دولت ارمنستان با عضویت در پیمان امنیت دسته جمعی تلاش کرده است که این ضعف را بپوشاند. از دیگر سو جمهوری اشغالی بادکوبه تلاش کرده است با نزدیکی به حوزه کشورهای آتلانتیک و اسرائیل این ضعف را پوشش دهد. این سیاست BAND WAGONING یا وابستگی به قدرتهای فرمانطقه ای یک تهدید بالقوه برای امنیت تمدنی ایرانشهر تاریخی است!!

بویره که حاکمان جمهوری اشغالی بادکوبه از طریق ایجاد پایگاه های نظامی ناتو و ترکیه و امریکا در خاک خود پای بازیگران فرمانطقه ای را به ورای مرزهایش باز کند...

ادامه دارد...

پایان بخش سوم.

با سپاس بیکران.

